

Science and Religion Studies, Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Biannual Journal, Vol. 12, No. 1, Spring and Summer 2021, 277-305
Doi: 10.30465/srs.2021.35483.1841

An analysis of the idea of confrontation between religion and science in the issue of Corona based on the teachings of the Qur'an and Hadith

Alborz Mohaghegh Garfami*

Javad Irvani**

Abstract

The relationship between theology and the experimental sciences is a subject that has a long history in both fields. In this process, some people who believe in religion consider the value of human knowledge only in the harmony of that religion. On the other hand, with the monopoly of cognitive methods in the experimental sciences, some consider religious teachings to have no rational validity. The present article, with a descriptive-analytical method and using library resources, intends to recognize the relationship between science and religion based on a selected definition of their scope. And then to deal with the view of Shiite theology about epidemics and solutions and its limitations. According to the findings of this paper, the concept of conflict will be conceivable only between religious knowledge and scientific knowledge, not the essence of religion and science. Also, according to Shiite theology, the system of occurrence of the events of existence is based on fixed laws that are effected by material and spiritual causes. Therefore, the methods of dealing with phenomena from the perspective of Shiite teachings are

* MA Razavi University of Islamic Sciences Quran and Hadith Sciences (Corresponding Author),
mohaghegh.gr@gmail.com

** Associate Professor Razavi University of Islamic Sciences-Quran and Hadith Sciences,
irvani_javad@yahoo.com

Date received: 18/03/2021, Date of acceptance: 12/08/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

divided into two categories: micro-based advice and spiritual solutions. As a result, the combination of these methods leads to the synergistic role of religious knowledge with empirical knowledge in improving human biology.

Keywords: Shiite Theology, Experimental Sciences, Epidemic Diseases, Natural Laws, Rational and Spiritual Solutions.

واکاوی در انگاره‌ی رویارویی علم و دین در مسئله‌ی کرونا براساس آموزه‌های قرآن و حدیث

البرز محقق گرفمی*

جواد ایروانی**

چکیده

رابطه‌ی الهیات و علوم تجربی موضوعی است که تاریخی به درازنای پیدایش هر دو حوزه دارد. در این روند عده‌ای با جانبداری از دین، ارزندگی دانش بشری را تنها در هماهنگی آن با دین می‌پندارند. از سوی دیگر برخی با انحصار روش‌های شناخت در علوم تجربی آزمون‌پذیر، آموزه‌های دینی را فاقد اعتبار خردپذیر میدانند. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره از منابع کتابخانه‌ای، بر آن است تا در گام اول، رابطه‌ی میان علم و دین را براساس تعریف برگزیده از گستره آنها بازشناسد. و پس از آن به دیدگاه الهیات شیعی پیرامون بیماری‌های همه‌گیر و راهکارهای برون رفت و محدودیت آن بپردازد. بر اساس یافته این نوشتار، تنگنای تعارض تنها میان معرفت دینی و معرفت علمی متصور خواهد بود نه ذات دین و علم. هم‌چنین بر اساس الهیات شیعی، نظام وقوع رخدادهای هستی بر قوانین ثابتی بنا نهاده شده که توسط اسباب مادی و معنوی به ثمر می‌نشینند. از این‌رو روش‌های مواجهه با پدیده‌ها از منظر آموزه‌های شیعی، به دو رده توصیه‌های خرد محور و راهکارهای معنوی افراز می‌گردد. نتیجه اینکه، مجموعه این روشها، بر نقش هم‌افزایی معرفت دینی با شناخت تجربی در بهبود زیست آدمی رهنمون هستند.

* کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول)،

Mohaghegh.gr@gmail.com

** دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی، irvani_javad@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۱

کلیدواژه‌ها: الهیات شیعی، علوم تجربی، بیماری‌های همه‌گیر، قوانین طبیعی، راه‌کارهای عقلانی و معنوی.

۱. مقدمه

آدمی در گستره زیستی خود دچار گرفتاری‌های فردی چون ترس، بیماری، گرسنگی، اندوه و محرومیت می‌شود که گاه چرخ زندگی را از گردش باز می‌دارد. ولی این گرفتاری‌های فردی با همه دشواری‌ها مانند بلاها و محنت‌های عمومی وحشت‌انگیز نیست. چراکه در روی آوردن بلائی فردی، می‌توان از توان و خرد سایرین بهره برد ولی دامنه بلاهای عمومی همه جانها را درنوردیده و توان عمومی را فرسایش می‌دهد و تدبیر جمعی را درحیرت فرو می‌برد. ازین رو ناامیدی عمومی در جامعه رواج یافته و کام همگان تلخ می‌گردد. ازدیگرسو بشر برای رهایی از این گرفتاری‌ها، راهکارهایی می‌جوید که برخی بر بنیان‌های علمی استوار است و پاره‌ای بر آموزه‌های دینی.

بازشناسی علمی بیماری کرونا، تبیین شیوه تعامل عقلانی با آن را برعهده دانش پزشکی می‌نهد و دقت به جنبه‌های شناختی آن، تأثیرات و پیامدهای آن در عرصه‌های گوناگون زیست آدمی، پیوند آن را با معرفت‌شناسی و گزاره‌های دینی آشکار می‌سازد.

امروزه به دنبال فراگیری بیماری کرونا، فضای مجازی و حقیقی آکنده از پرسش‌هایی برای راه‌بهنه‌رهایی یافتن ازین گرفتاریست. از یکسو کسانی که دعا و نیایش را به‌سخره می‌گیرند؛ با منحصر دانستن روش بهبودی در عمل براساس آموزه‌های پزشکی، دین را به چالش کشیده و در انجام مناسک دینی درین شرایط شبهه‌گری می‌کنند. و ازسوی مقابل، کسانی که مسائل بهداشتی را به تمسخر می‌گیرند و تدبیر را به باد انتقاد؛ با رفتارهایی سخیف مانند لیسیدن ضریح و بر زبان راندن سخنان ناروا علیه کسانی که در مکان‌های متبرک، محدودیت ایجاد می‌کنند، با سوء استفاده از احساسات مذهبی مردم، چنین مطرح می‌کنند که حرم‌ها، دارالشفاء هستند، چرا آن‌ها را تعطیل می‌کنید!

باورهای پیش‌گفته دو سوی اندیشه‌های افراطی و ناصوابی است که بیش از هر چیز ایمان و اعتقاد جامعه را هدف گرفته و طرح تقابل میان علم و دین را تقویت می‌کنند. گرچه پاسخ‌گویی به این نوع شبهات نیازمند مجالی گسترده است؛ اما بنیان اساسی چنین تفکرات و شبهاتی برآمده از اندیشه تقابل میان علم و دین است. نشناختن قلمرو، کارکرد و

هدف علم ودین، هم سبب مقابله دانشوران ناآگاه از آموزه‌های عقلانی دینی و تهمت واپس ماندگی به دینداران میشود و هم موجب کج دهنی مقدس نمایان بیگانه با خرد به ساحت شریف دانش‌های سودمند خواهد شد.

بر این اساس، نوشتار حاضر در پی تعریفی استوار از رابطه علم و دین در مسائلی چون بیماری‌های همه گیر بوده و در گام بعد، راهکارهای دینی خرد محور و معنویت محور درباره مواجهه با بیماری‌های همه گیر را برشمرده است.

۲. پیشینه

با شروع پاندمی کرونا، پژوهشگران عرصه‌های مختلف در پی پیامدهای شناختی و تبیین رابطه میان علوم گوناگون و عرصه‌های مختلف حیات آدمی با این پدیده بر آمدند. برخی مقالات مانند «پیوند امرپزشکی و امر بین المللی، سیاست جهانی در معرض کووید-۱۹»، در پی یافتن تأثیر کرونا بر روابط میان کشورها هستند.

برخی دیگر نیز بطور ویژه به ارتباط بیماری کرونا با آموزه‌های دینی پرداختند. نوشتار «هم سویی حوزه‌های سلامت و دین در برخورد با کووید-۱۹» در پی اثبات تفاوت قلمرو دین و دانش پزشکی بوده و پیروی عملی حوزه دین از حوزه سلامت را مایه تقابل این دو عرصه نمی‌داند. در نقد این نوشتار می‌توان گفت که گزاره‌های دو حوزه پیش گفته در موضوعات مشترک حاکی از هم پوشانی قلمرو این دو حوزه در پاره‌ای موارد است. پس انگاره تباین کلی قلمرو دو عرصه دین و علم ناستوار می‌نماید. مقاله کوتاه «چند فرضیه‌ی روایی جهت بررسی شرائط کار آیی در مقابله با کرونا» نیز تنها شماری از توصیه‌های معصومین در جهت پیشگیری از بیماری‌های همه گیر را گزارش نموده است. کرسی ترویجی «مسأله کرونا و نقش خدا در حیات بشر» با ارائه محمد صفر جبریلی نیز به نقش کرونا در میزان خداباوری پرداخته و به نقد انگاره الهیات پسا کرونا، پرداخته است. مقاله «بحران کرونا، بستری برای بازنگری در مسأله علم و دین از منظر دین عامیانه» نیز به گونه‌ای عمیق تر پیوند میان علم و دین درین مسأله را کاویده است. صاحب این نوشتار، موضوع تعارض میان علم و دین را بر وضعیت این دو حوزه در ایران منطبق نمی‌داند ولی وجود تعارض‌هایی میان جامعه دینی با توصیه‌های علمی را پذیرفته است. درین نوشتار، کلید فهم تعارض میان علم و دین در بحران کرونا، تعارض میان گونه‌ای مشخص از دین

یعنی دین عامیانه با یافته‌های پزشکی دانسته شده است. در مقام نقد این نوشتار، عبارت دین عامیانه نا استوار می‌نماید. و ترکیب فهم عامیانه از دین برای بیان موضوع استوارتر به نظر می‌رسد.

با این همه بر اساس تتبع نویسنده، موضوع بررسی بی طرفانه گزاره‌های دینی در پیوند با پدیده‌های طبیعی با محوریت بیماری‌های همه گیر، هنوز به خامه قلم آراسته نشده است و موضوع راهکارهای دینی در دو عرصه توصیه‌های خرد محور و راهکارهای معنویت محور به شکل مناسبی طبقه بندی نشده اند. براین اساس، این پژوهش، در پی یافتن رابطه میان علم و دین، بررسی نظام وقوع رخدادها و راهبردهای الهیات شیعی در مواجهه با بیماری‌های همه گیر است. افزون بر این برخلاف آخرین مقاله نام برده شده، تعارض ذاتی یا عارضی میان دین و علم، مورد پذیرش نوشتار پیش رو نیست. تبیین این نظرگاه در بخش رابطه میان علم و دین مندرج است. مفاهیم و انگاره‌های بنیادین

۳. تعاریف و انگاره‌های بنیادین

۱.۳ تعریف علم

عام ترین مفهوم علم با مفاهیمی چون مطلق آگاهی و هر گونه شناخت انسان تعریف شده که در زبان انگلیسی معادل با knowledge است. و در معنای اخص، گزاره‌ای علمی است که توسط مشاهده یا تجربه قابل تأیید و تصدیق یا ابطال و تکذیب باشد (تمدن جهرمی، ۱۳۷۸: ۱۶). این مفهوم در زبان انگلیسی با واژه science شناخته می‌شود. افزون بر این تعاریف کلی، مفهوم علم در درازنای تاریخ و برحسب مبانی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی دست‌خوش تغییرات فراوانی شده است. برخی ازین تعاریف عبارتند از: انعکاس جبری عالم ماده در ذهن (هاره، بی تا: ۸۷)، صورت حاصل از شیء در نفس (همان: ۵۷) یا ابزار سلطه و تصرف بر طبیعت (پوپر، بی تا: ۴۹). حال آنکه براین تعاریف در جای خود اشکالاتی بنیادین وارد است (ن.ک: پیروزمند، ۱۳۷۶: ۱۵۹-۱۷۴).

مفهوم علم در فرهنگ اسلامی و مسیحی بر ماهیتی دینی استوار بوده و در برخی سده‌های پیشین، دانش‌ها در مراکز آموزشی، جنبه کاملاً دینی داشت. ولی از آغاز عصر نوزایی به بعد، با مفهوم علم تجربی یکسان انگاشته شده است (خدایی قشلاقی، ۱۳۹۶: ۱۱۴). اندیشوران مسلمان بر حسب رویکردهای معرفتی متفاوت، تعاریف گوناگونی

از علم ارائه داده اند. در یک رویکرد، منابع شناختی انسان عبارتند از حس، عقل، شهود و وحی. درین رویکرد، علم به گزاره‌های آزمون پذیر منحصر نمی‌شود و هر چیزی که باعنوان اندیشه یا تفکر اجتماعی شناخته می‌شود را در بر می‌گیرد (پارسانیا، ۱۳۸۹: ۵۲). در رویکرد تجربه گرایانه نیز، علم به شناختهای تجربی آزمون پذیر محدود شده و ذات روش علمی و علم، مستقل از فرهنگ و دین دانسته می‌شود (سروش، ۱۳۷۰: ۵۴). در رویکردی دیگر، علم، هویتی مستقل از فرهنگ ندارد و با دین و آداب هم جهت است (پارسانیا، ۱۳۸۹: ۴۹). از منظر روش شناختی نیز، اصالت دادن به روش عقلی، نقلی یا تجربی، باورهایی هستند که طرفدارانی در میان دانشوران مسلمان دارند (ابراهیمی پور، ۱۳۹۳: ۶۱). همین تفاوتها سبب دسته بندی‌های گوناگونی از علوم توسط اندیشوران مسلمان شده است. برای نمونه غزالی علوم را به چهار اعتبار مختلف به دسته‌های علوم نظری و عملی، حضوری و حصولی، عقلی و شرعی و نیز واجب عینی و کفایی تقسیم کرده است (بکار، ۱۳۸۹: ۲۴۹). فارابی نیز علوم را به ۶ طبقه علم زبان، علم منطق، علوم ریاضی، علوم طبیعی، علم الهی و هم چنین علوم مدنی، فقه و کلام رده بندی کرده که هر یک زیر مجموعه‌هایی دارند (فارابی، ۱۹۴۹: ۴۵-۱۱۳).

اما منظور از علمی که درین نوشتار درصدد یافتن ارتباطش با دین هستیم نه بر دیدگاه گستراندن تعریف علم بر هر نوع آگاهی استوار است نه بر مدعای دانشوران غربی سده‌های اخیر که آن را منحصر در علوم تجربی می‌دانند. بلکه مراد از علم درین مقال، معرفت علمیست؛ یعنی «مجموعه آگاهی‌هایی کاربردی که در جهت رفع نیازمندی‌های فردی و اجتماعی بکار می‌رود». درین تعریف، گزاره‌های علمی در خدمت حل مشکلات و نیازهای بشر هستند. باین توضیح، علم در کنار اخلاق و رفتار، یکی از عوامل انگیزاننده به سمت کمال محسوب می‌شود. براین اساس، علم تنها به علوم تجربی منحصر نیست بلکه انواع علوم نقلی، عقلی و حسی را در بر می‌گیرد. چراکه هریک ازین روشهای شناخت در هدایت و حرکت انسانی به سمت زیست کمال گرایانه نقش آفرینند.

۲.۳ تعریف دین

لغت‌پژوهان واژه دین را در معانی پاداش، عادت، حساب، پرهیزگاری، کیش، طریقت، جزا، حکم و اطاعت کردن دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۸/ ۷۳؛ ازهری، ۱۴۲۱: ج ۱۴/ ۱۲۸؛

ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳۱۹/۲). گوهر معنایی این واژه را در هر نوع انقیاد و دنباله روی همراه با طاعت و خضوع می‌توان دانست (مصطفوی، ۱۴۳۰: ج ۳۱۰/۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۲۳) که همه معانی پیش گفته مصادیقی از آن یا آثار آن شمرده می‌شوند.

از آن‌جا که این نوشتار در پی وارسیدن انگاره تعارض میان علم و باورهای منسوب به دین اسلام است، شایسته می‌نماید تعریفی از دین و معرفت دینی ارائه گردد. در تعریفی عقیده بنیان، اعتقاد به نظامی نامرئی در امور جهان، دین نامیده می‌شود (هیک، ۱۳۷۲: ۲۲). در تعریف روان شناختی از دین نیز، آنرا مجموعه‌ای از اوامر و نواهی برشمرده اند که مانع از کاربرد آزاد قوای بشریست (همان، ۲۳). تعریف دین به جستجوی جمعی برای یک زندگی رضایت بخش نیز، ناظر به رویکرد جامعه شناختی به دین است (هیوم، ۱۳۷۷: ۱۹). بر اساس دیدگاه درون دینی، «دین، روش و قانون زندگی است که از طرف خداوند متعال آمده است» (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۳۰). در تعریفی دیگر، دین به معنای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستوره‌ای متناسب با این اعتقاد شمرده شده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۱). در تعریف برگزیده این نوشتار، دین مجموعه‌ای از باورها، روش‌ها و رفتارهایی است که منبع الهی داشته و لازم است آدمی برای سعادت خویش از آن‌ها بهره برد.

نیک روشن است که میان حقیقت دین با معرفت دینی تفاوتی وجود دارد. چراکه دین سرچشمه‌ای الهی دارد اما معارف دینی مجموعه‌ای از برداشتهای بشر از حقیقت دین است که در پاره‌ای از موارد با حقیقت دین کاملاً منطبق بوده و در پاره‌ای موارد، خطا در آن راه یافته است. ازینرو رابطه میان دین و معرفت دینی عام و خاص من وجه خواهد بود.

۳.۳ کرونا

در ۲۹ دسامبر سال ۲۰۱۹ میلادی، شماری از مبتلایان به گونه‌ای ذات الریه به بیمارستانی در ووهان چین مراجعه کردند. تحقیقات اولیه براین بیماران نشان داد که تعداد قابل توجهی از آن‌ها با بازار فروش آبزیان و پرندگان در آن شهر مرتبط بودند. احتمال اثرپذیری بیماران از آلودگی‌های موجود در آن منطقه، سبب تعطیلی و آلودگی زدایی از آن بازار شد. گزارش‌های متعدد این بیماری از مناطق مختلف جهان، سبب شد تا سازمان بهداشت

جهانی، در تاریخ ۹ ژانویه ۲۰۲۰ میلادی، طی اعلامیه‌ای، عامل این بیماری را نوعی از ویروس با عنوان nCoV-2019 اعلام کرده و در تاریخ ۳۰ ژانویه نیز با انتشار بیانیه‌ای، ویروس جدید را منجر به ایجاد وضعیت اضطراری در سراسر جهان و تهدیدی برای همه کشورها به شمار آورد (توکلی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۳۳).

در دانش ویروس‌شناسی، خانواده ویروس کرونا به دو رده کرونا ویرینه و لتو ویرینه تقسیم می‌شود. رده اول شامل چهار جنس آلفاریال بتا، گاما و دلتا بوده و تا ابتدای سال ۲۰۲۰ میلادی روی هم رفته، ۷ گونه ازین ویروس شناسایی شده است (همان: ۴۳۴). کرونا ویروس که با نام علمی covid-19 مشهور است ویروسی پوشش دار است که براساس گمانه زنی‌های آزمایشگاهی از طریق خفش یا مواد آلوده به فضولات آن به انسان منتقل گردید (همان: ۴۳۵). خانواده این ویروس، سبب بیماری‌های‌هایی چون سرماخوردگی و بیماری‌های تنفسی مانند سندروم تنفسی خاور میانه و سندروم حاد تنفسی می‌گردد. نوع جدید این ویروس، منجر به بروز ضایعات و آسیب‌هایی مانند سردرد، استفراغ خونی، نارسایی تنفسی و کلیوی، سرفه خشک، درد عضلانی، نارسایی سایر ارگان‌های بدن، شوک عصبی و در شدیدترین حالت سبب مرگ بیمار می‌شود (آقا علی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱).

ویروس مذکور در مدتی کوتاه، بسیاری از کشورهای گیتی را در نوردیده و تبدیل به خبر سازترین پدیده قرن در ربع مسکون کره خاکی گردید. ناشناخته بودن ابعاد مختلف بیماری مذکور مانند راههای قطعی انتقال، فرآیند درمان و ناکافی بودن مطالعات بالینی درکنار شمار قابل توجه مرگ و میر ناشی ازین ویروس، سبب ایجاد موجی از وحشت و اضطراب در سراسر جهان شد. همین امور روان‌شناسانه با تکیه بر جنبه معرفت‌شناختی، سبب ایجاد گفتمان‌های گوناگونی در سپهر ارتباط دین و بیماری‌های این چنینی گردید.

۴. رابطهٔ میان علم و دین

نسبت میان الهیات و دستاوردهای تجربی بشر که با عنوان علوم تجربی شناخته می‌شوند، همواره مورد توجه اندیشوران جهان بوده است. برخی با مرزبندی میان قلمرو کارکرد دین و علم، کنش‌گری و دخالت هر کدام ازین دو حوزه را در قلمرو حوزه دیگر روا نمی‌دانند. و برخی بانظرگاه جامعیت مطلق دین، تبیین همه پدیده‌ها را در توان دین می‌شمردند.

درمقابل، گروهی سربرآوردند که تنها رخ داده‌های برآمده از بوته تجربه و آزمایش را گزاره‌های معقول می‌پندارند و برای آموزه‌های آزمون‌ناپذیر الهیات، اعتباری قائل نیستند. دفاع از عقلانی بودن باورهای دینی ایجاب میکند که دانشور مسلمان، نسبت میان علم و دین را معلوم کند. انواع روابط متصور میان علم و دین را در ۵ رویکرد تعارض، تمایز و تفاوت در قلمرو، مکمل بودن برای یکدیگر، مشابهت و نیز هم پوشانی و اشتراک می‌توان برشمرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۲۷-۱۵۴؛ پیروزمند ۱۳۷۶: ۱۷۹-۱۹۵؛ احمدی، ۱۳۸۴: ۲۸۷). در رویکرد تعارض که سخن این روزهای عده‌ای است (دبّاغ، ۲۰۲۰؛ محدثی، ۱۳۹۸: ۳)؛ دو دیدگاه تقدم علم بر دین و مقدم کردن دین بر علم، دوسوی دیدگاه‌های افراطی خواهند بود.

۱.۴ نقد و بررسی انگاره تعارض

در میان دیدگاه‌های پیش گفته، رویکرد تعارض میان علم و دین از هر دو سوی بارومندان افراطی به جامعیت این دو عرصه مطرح می‌شود. مراد از تعارض علم و دین، تفاوت در نحوه بیان، استدلال و توضیح گزاره‌هایی است که در نظر نخستین، میان دانش عقلی و تجربی بشر با آموزه‌های به ظاهر وحیانی رخ می‌نماید که نیاز به گره‌گشایی دارد. به‌دیگر سخن، زمانی تعارض رخ می‌دهد که علم و الهیات هردو برای پدیده‌ای واحد، تبیین‌های متفاوتی به دست دهند. نیک روشن است که باور به بروز تعارض به تعریف، قلمرو و هدف هر یک از عرصه‌های علم و دین نیز وابسته است.

قائلین به تقدم دین بر علم، هرگونه ناهم‌خوانی گزاره‌های علمی با معرفت دینی خویش را مایه بی اعتباری آن گزاره می‌دانند. مبنای این باور، جامعیت مطلق اسلام در همه عرصه‌هاست. افراط‌گرایان باورمند به عدم تاثیر پدیده‌های طبیعی مانند بیماری‌ها در اماکن مقدس، قلمرو استدلال‌های علمی را خارج از ساحت قدسی دین میدانند.

از دیگر سو تعارض ظاهری میان علم و دین با این تعریف از علم بوجود می‌آید که: علم با استفاده از روش تحقیق و مبانی ویژه خود، تبیین دقیقی از پدیده‌های تجربی به دست داده و در پی کشف علل طبیعی وقایع باشد (پترسون، ۱۳۷۰: ۳۷۰). در حالیکه الهیات وادیان، پدیده‌ها را بر اساس اراده الهی تبیین می‌کند (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۷۵). علوم تجربی به شناخت علت فاعلی یک پدیده و توضیح آن می‌پردازند ولی از تبیین غایی پدیده‌ها کم‌تر

سخن می‌گویند. پس شناخت احکام کلی هستی از حیث وجود و عدم، شناخت علل تامه و علل غایی در سلسله مراتب هستی در حیطه موضوع علوم طبیعی نمی‌گنجد و با روش علمی قابل نفی و اثبات نیست.

تعریف کردن علوم تجربی به معنای شناخت طبیعت و روابط میان موجودات، محدود ساختن معرفت دینی به تجربه‌های قابل ادراک توسط حواس^۲ (باربور، ۱۳۶۲: ۹۲)، باور تقابلی میان معرفت دینی و معرفت حاصل از علم تجربی را پررنگ مینماید. چراکه لازمه باور داشتن به این تعریف، منحصر کردن روشهای شناخت در علوم تجربی است. پس مفهوم کلی « تعارض میان علم و دین » در گام نخست شکل‌گیری، به سبب تعاریف جهت دار از حقیقت، گستره و موضوع علم و دین رخ می‌نماید و در گام پسین به سبب درهم آمیختگی مفاهیم دین و علم با معرفت دینی و معرفت علمی تشدید میشود.

۲.۴ دیدگاه مختار در رابطهٔ علم و دین

اساساً علوم تجربی به علل طبیعی یک پدیده می‌پردازند و دین، برخی ابعاد فرامادی پدیده‌ها را نیز تبیین میکند. البته یاد کرد و تعریف گزاره‌های طبیعی یا فرا طبیعی وظیفه اساسی دین نیست بلکه به آنها برای هدف مهم خود یعنی هدایت بشر اشاره میکند و هر اندازه که هدف بنیادین تامین شود، به همان اندازه به تبیین پدیده‌ها می‌پردازد نه بیش از آن.

نکته اینجاست که بروز تعارض، میان معرفت دینی و معرفت علمی امکان‌پذیر است اما میان گوهر دین به معنای آنچه از سوی پروردگار نازل شده با حقیقت علم یعنی آگاهی واقعی به آنچه توسط پروردگار خلق شده هیچ منافاتی وجود ندارد. چرا که دین در کتاب تشریح نازل شده و طبیعت در کتاب تکوین ظهور یافته است که هر دو از جانب ذاتی واحد صادر شده و در آن دو امکان اختلاف وجود ندارد، و هر دو به هدایت بشر می‌پردازند. علم هدایت علمی میکند و دین هدایت معنوی.

به دیگر سخن، همانگونه که ممکن است معرفت دینی با دین کاملاً منطبق نباشد؛ معرفت علمی هم ممکن است با حقیقت علم که در عالم جریان دارد کاملاً هم‌خوان نباشد. علم رشد یافته به تبیین علمی گزاره‌های مشترک علم و دین می‌پردازد و دین پیراسته از اوهام به بهره‌وری از علم سودمند رهنمون است. با این توضیح که گزاره‌های علمی از علل

طبیعی مباشر یک پدیده سخن می‌گویند و گزاره‌های دینی از علل مابعدالطبیعی یک پدیده خبر می‌دهند؛ تعارض ظاهری میان علم و دین مرتفع می‌گردد.

تعارض میان گزاره‌های مسلم دین اسلام که در مراد و معنای آن هیچ گونه احتمال خلافی متصور نباشد با قوانین مسلم عقلی و علمی دیده نشده است. از دیگر سو علل مجرد و ماورای طبیعی در عرض علل طبیعی قرار دارند و علوم تجربی را تنها توان پرده برداری از علل طبیعی یک پدیده است ولی علل فراطبیعی یک پدیده که از دسترس فهم بشری دور است در پرتو آموزه‌های وحیانی الهیاتی رخ می‌نمایند. برای نمونه مسّ شیطان در آیه ۲۷۵ سوره بقره در تعارض ظاهری با علم از طریق راه حل پیش گفته یعنی تبیین علل ماوراء الطبیعی و غیر مستقیم پدیده‌ها مرتفع می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۲/۳۶۸)

از دیگر سو، بهره‌وری از دستاوردهای علوم تجربی همواره مورد توجه الهیات اسلامی بوده و استفاده از آن و ترویج آنها در آموزه‌های اسلامی با عباراتی چون «العقل غریزه، تُزید بالعلم والتجارب» (آمدی، ۱۴۱۰: ۴۰) از علی بن ابی طالب (ع) مورد تأیید قرار گرفته است. براین اساس رابطه میان علم و دین رابطه «مکملیت و اشتراک» خواهد بود که دست در دست هم برای زیست کمال‌گرایانه انسان راهکار می‌جویند.

۵. نظام وقوع رخدادها در عالم و راه‌کارهای مواجهه با پدیده‌های همه‌گیر از منظر الهیات شیعی

برای دستیابی به دیدگاه الهیات شیعی پیرامون بیماری‌های همه‌گیر بایسته است دو موضوع نظام وقوع رخدادها در عالم و راهکارهای مواجهه با آنها را واکاوی‌د. مراد از نظام وقوع رخدادها در هستی، سازوکارهایی است که به شکل قوانینی ثابت بر پدیده‌ها حاکم هستند. و منظور از نحوه مواجهه با پدیده‌ها، دستور العمل‌ها و توصیه‌های موجود در آموزه‌های شیعی، برای دفع و رفع بلاهای همه‌گیر است. این راهکارها، خود به دو دسته راهکارهای خرد محور و معنویت محور افراز می‌شوند.

۱.۵ نظام وقوع رخدادها در هستی

آیاتی در قرآن مجید از عنصری به نام سنّت الهی سخن می‌گویند (ن.ک: فتح/۲۳؛ اسراء/۷۷؛ احزاب/۶۲ و ۲۳؛ فاطر/۳۸؛ غافر/۸۵)؛ که بر افراد، جوامع و رخدادها حاکم است.

سنت در لغت به معنای طریقه، رویه و سیره (راغب، ۱۴۱۲: ۴۲۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۳/۲۲۱) است. منظور از «سنت» در اینگونه موارد، قوانین ثابت و اساسی «تکوینی» یا «تشریحی» الهی است که هرگز دگرگونی در آن روی نمی‌دهد که در هر زمانی بر گستره هستی جریان دارند.

از دیگر سو قرآن مجید، علل سعادت‌مندی یا گرفتاری‌های مادی افراد و جوامع را در آیاتی به روشنی بیان کرده است. به تصریح قرآن بهره‌مندی آدمی از مواهب طبیعی، نتیجه پای‌بندی به رفتار و اخلاق نیکوست و گرفتاری‌های دنیوی بازتاب تکوینی و طبیعی فراموش کردن ارزش‌ها و گام نهادن در مسیر رفتارهای نامناسب است. برای نمونه در آیه ۱۱۲ سوره نحل، سیمای مکانی ترسیم شده که از سه نعمت ویژه مادی یعنی امنیت، اطمینان و گستردگی روزی برخوردار بوده است و در آیه بعد به نعمات معنوی مردمان آن سامان، یعنی فرستادن رهبری الهی برای هدایت مادی و معنوی آن‌ها اشاره شده است. ولی اهالی آن مکان به جای سپاس بر نعمت‌های الهی، راه کفر و عدم توجه به خالق این نعمت‌ها را پیش گرفتند. این کار باعث برگرفتن نعمت امنیت، برکت و گستره ارزاق از آن‌ها شد به گونه‌ای که طعم فقر و گرسنگی را چشیدند. در پایان این آیه، علت تراکم گرفتاری‌ها را با عبارت «بما كانوا یصنعون» بیان کرده تا بر وقوع گرفتاری‌های بشر به خاطر اعمال ناروای آن‌ها دلالت کند.

در آیات دیگری از این دست، نگون‌بختی و گرفتاری‌های افراد را نتیجه انواع گوناگون ظلم، کشمکش‌های بیهوده، طبقه‌بندی جامعه به دو گروه زیردست و بالادست، تفرقه، سرگرمی به کج‌رفتاری‌ها، فریفته شدن به توانمندی‌های فردی، فراموشیدن فرمان الهی، ترک امر به معروف و بازداری از امور ناشایست دانسته شده است (ن.ک: یونس/۱۳؛ قصص/۵۹؛ عنکبوت/۴). این رفتارها، مایه از بین رفتن نعمت‌ها، دچار شدن به گرفتاری‌ها، سست پایه شدن بنیان‌های فردی و اجتماعی خواهند شد. به گونه‌ای که مردم این حوادث را اتفاقی می‌پندارند، در حالی که نتیجه عمل آن‌ها چیزی جز این حوادث نیست (ن.ک: انعام/۶۵؛ قصص/۴؛ آل عمران/۱۰۵؛ اسراء/۱۶؛ فرقان/۱۸؛ اعراف/۶۴-۶۵). از سوی دیگر، ایمان و تقوی سبب ایجاد جامعه‌ای سالم خواهد شد که برکت الهی شامل حال مردمان آن جامعه می‌شود. هم‌چنین هلاکتی که کج روی‌های نهادینه شده در جامعه به دنبال دارند، سنت غیر قابل تغییر الهی بوده (ن.ک: حج/۴۵؛ اسراء/۱۶-۱۷) و

پیشرفت یا نابودی جوامع، هرگز به معنای در آمیخته شدن سرنوشت آنان با امور غیرطبیعی نیست، بلکه نتیجه طبیعی رفتارهای کسان آن جامعه است. افزون برین موارد، برخی گرفتاری‌ها و بلاها جنبه آزمون برای بشر داشته و در مسیر رشد شخصیت مادی و معنوی وی مؤثر هستند (بقره/۱۵۵).

از دیگر سو مجموعه این سنتها و قوانین حاکم بر نظام تکوین از طریق اسباب محقق شوند. پس برای تحقق هر پدیده - که قطعاً به اذن الهی است - باید آن را از مسیر «اسباب» جست. چراکه به فرموده امام صادق (ع) «أبی الله أن یجری الاشیاء إلّا بالاسباب» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱/۴۴۸). به دیگر سخن تحقق سنت‌های حاکم بر هستی را میتوان از دو طریق اسباب طبیعی و باطنی بیان کرد. مراد از اسباب ظاهری یا طبیعی، عواملی است که علم برای آنها الگویی تجربی ترسیم میکند. و مقصود از اسباب باطنی، عواملی است که بشر را یارای شناخت تجربی آنها نیست. برخی از مفسران، نظرگاه عده‌ای درباره منحصر دانستن علل وقوع پدیده‌ها به امور طبیعی تجربه‌پذیر را ناآگاهی به مقام ربوبی پروردگار در تدبیر عالم می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۲/۵۶). براین اساس، رخ دادن پدیده‌ها منحصر به قانون علیت ظاهری و پیروی سبب از مسبب نیست (همان: ۲/۶۲). و نیز وجود اسباب ظاهری، همیشه مساوی با رخ دادن مسببات نیست. چرا که اسباب، تنها زمانی کارکردی کنش‌گرانه خواهند داشت که اراده الهی به وقوع آن پدیده تعلق بگیرد.

پس، اموری مانند دچار شدن به بیماری‌ها و بهبودی یافتن از آنها دارای کنش‌گران (اسباب) طبیعی و باطنی خواهد بود. این استدلال نه تنها از آموزه‌های اسلامی بلکه با کشفیات بشری در علل و عوامل رخدادها قابل اثبات است. چرا که آگاهی‌های فزاینده علمی بشر حاکی از وجود قوانینی ثابت در عالم هستی است که بسیاری از این قوانین هنوز در قالب سازوکار تجربی و آزمایش‌پذیر ارائه نشده است. این گونه قوانین، به عرصه‌های غیر مادی از حقیقت عالم هستی مربوط هستند که معرفت علمی، تنها به اصل وجود آنها دست یافته است نه ساز و کار شکل‌گیری و کنش آنها.

انسانی که معرفت و دانش را با بصیرت به کار می‌بندد از همه این «اسباب» بهره می‌گیرد و هیچ کدام را فدای دیگری نمی‌کند. برای نمونه او می‌داند که بیماران سخت درمان، در حرم حضرت رضا (ع)، به اذن الهی شفا می‌گیرند، ولی قرار نیست دیگر اسباب‌ها و سنت‌های الهی نقض شده و نادیده گرفته شود! از این رو، هم به دستورالعمل‌های

علوم پزشکی کاملاً عمل می‌کند، و هم با توکل و توسل و دعا و تضرع، شفا و رفع بلا را از خدا می‌طلبد. نادیده گرفتن دعا و اسباب معنوی، برآمده از ضعف ایمانی و بی بهره گی از گستره بزرگی از اسباب است و در مقابل، نادیده گرفتن دستورات بهداشتی و برآشفتن از محدودیت‌ها در اماکن مذهبی و تجمعات دینی، ساده اندیشی، تحجر، عوامفریبی و مخالفت با دستورهای متین دینی خواهد بود.

۲.۵ راه کارهای برخورد با بیماری‌های همه گیر

دین اسلام به عنوان تبیین کننده خط مشی کلی زیست متناسب با جنبه‌های روحی و جسمی آدمی، دستورالعمل‌ها و سفارش‌هایی برای ابعاد گوناگون زندگی در نظر گرفته است. در حوزه اسباب ظاهری پیدایش پدیده‌ها، رهنمودها و ارشاداتی دارد که خردمندان همه زمانها آن‌ها را بنا کرده اند. اما در حوزه اسباب باطنی و معنوی رخدادها، که خرد بشری را در چيستی کیفیت آن راه نیست؛ رهنمودهایی ویژه در نظر گرفته است.

بهره برداری از هردو گروه اسباب طبیعی و باطنی در رهایی از بیماری‌های همه گیر، یکی از عرصه‌های هم افزایی دین و علم برای رساندن آدمی به کامیابی است. و نیک روشن است بهره گیری از امور و اسباب معنوی هیچ ناسازواری با بهره وری از دست‌آوردهای تجربی و مادی ندارد. در ادامه برخی ازین مهمترین عوامل هردو دسته که از آموزه‌های دین بر می‌آیند بر شمرده خواهد شد.

۱.۲.۵ راه کارها و پیشنهادهاى عقلانى دین

مجموعه توصیه‌های خردمحور دین در مواجهه با پدیده‌ها، راه کارهای عقلانی دین شمرده می‌شوند که مجموعه آنها ارشاد و توصیه به بهره وری از حکم عقل است. در موضوع بیماری‌های همه گیر و راههای گریز از آنها نیز اسباب طبیعی و تجربی را در نمونه‌هایی چون رعایت بهداشت فردی، توجه به توصیه متخصصان و پرهیز از زمینه‌های طبیعی ایجاد و تشدید بیماری مانند کاستن تراکم جمعیت، استفاده از داروها و مانند آن می‌توان جست.

۱.۱.۲.۵ دستور عمومی برای حفظ فرد و اجتماع

قرآن کریم ساختن و آباد کردن زمین را وظیفه انسان بیان فرموده است: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا؛ اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما وا گذاشت» (هود/۶۱). «اعمار و استعمار زمین»، در لغت، به معنای واگذاری آن برای عمران و آبادی است (زیبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۲۹/۱۳؛ راغب، ۱۴۱۲: ۵۸۶؛ طوسی، بی تا: ج ۵۸۶/۶؛ طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۶: ج ۲۶۴/۵؛ قطب، ۱۴۰۸: ج ۵۹۴/۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۲۹۸/۱۰؛ مکارم، ۱۳۸۰: ج ۱۵۰/۹). درحقیقت، زمین به صورت آباد و با نعمت‌های آماده برای انسان آفریده نشده است، بلکه این انسان است که باید با کار و تلاش و بهره‌گیری از امکانات تولید، زمین را آباد نماید و نیازمندی‌هایش را برطرف سازد.

بر این اساس، ساختن و آباد کردن زمین، مطالبه خداوند از بشریت است و هر ملتی که در چهارچوب قوانین الهی و با تکیه بر کار و تلاش و به‌کارگیری خرد و دانش، سهم بیشتری در ساختن جهان داشته باشد، بیشتر در جهت مطالبه الهی گام برداشته است. عرصه‌های این سازندگی همه حوزه‌هایی است که به حفظ انسان و جامعه مربوط است. برخی از مصادیق آن عبارتند از: پزشکی، مهندسی، ساخت سازه‌های بشری برای کاستن صدمات ناشی از وقایع طبیعی و نیز بهره‌وری متناسب از گونه‌های انرژی طبیعی.

۲.۱.۲.۵ رعایت اصول بهداشتی

سفارش فراوان رهبران راستین اسلام به حفظ بهداشت و دوری از انواع آلودگی‌های ظاهری و اخلاقی تا بدانجاست که رعایت بهداشت را از عادات و اخلاق پیامبران و مقارن با ایمان دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۹۱/۵۹). بازکاوی کوتاهی در سیره پیشوایان دین و مومنان حقیقی گواهی استوار بر پابندی دین‌مداران حقیقی بر رعایت ضوابط بهداشتی و مورد تایید علم پزشکی است (طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۷: ۳۲، ۳۹، ۲۹۱؛ ابن‌بابویه، ۱۴۰۴: ج ۱۱۲/۱). توصیه‌های فراوان ایشان به در نظر داشتن بهداشت عمومی و نیالودن مکان‌های عمومی و راهها، دفع صحیح زباله‌ها، پرهیز از قرار گرفتن بیمارهای واگیر در مکان‌های عمومی بدون رعایت اصول بهداشتی (ابن‌بابویه، ۱۴۰۴: ج ۴۲۴/۴؛ طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۷: ۴۲۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۴: ج ۵۷۲/۳؛ سیوطی، ۱۴۲۹: ج ۱۱۶/۱) تا

بجایی است که آلودگی‌های ظاهری فرد سبب خشم الهی شمرده شده است (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ج ۲/۶۲۰).

بر همین اساس، دانشوران مسلمان درباره حفظ سلامتی و رعایت بهداشت معتقدند که نگاهداشت بدن بخشی از وظایف مهم هر فرد است. برای نمونه ابن میمون قرطبی می‌نویسد: «چون در زمان بیماری، درک صحیح خداوند ناممکن می‌شود، ضروریست از چیزهایی که بدن را ضعیف می‌کند اجتناب کرد و فرد را به سمت اموری هدایت کرد که بدن را قوی می‌کند» (حداد عادل، ۱۳۸۴: ج ۱۳/۵۸۱).

از دیگر سو بر اساس آیات قرآن (بقره/۲۳۳؛ طلاق/۶؛ نساء/۱۲)، روایت نبوی (حرعاملی، ۱۴۰۴: ج ۱۷/۳۴۱) و اصل نهی اضرار به دیگران، هرگونه ضرر رساندن به دیگران از نظر شرعی حرام خواهد بود به ویژه اگر با سهل انگاری فرد ضرر رسان همراه باشد. مواردی چون آسیبهای ناشی از انتقال بیماری مسری به دیگران به دلیل سهل انگاری شخص بیمار از مصادیق قاعده اضرار به دیگران بوده و علاوه بر حرمت شرعی، از نظر نظام قوانین موضوعه اسلامی قابل پیگیری بوده و مجازات‌هایی دربردارد. استواری و اهمیت این قاعده در فقه شیعی تا بدانجاست که فقهای آگاه آن را بر ادله احکام اولیه مقدم و حاکم میدانند (خوانساری، ۱۳۷۳: ۲۱۵).

۳.۱.۲.۵ مدیریت راه‌بردی دستگاه حکومت

بر اساس آموزه‌های شیعی، حکومت موظف است تا حد توان موجبات آسودگی شهروندان را برآورد. چاره‌اندیشی مناسب در بحرانها و برنامه ریزی برای دوران پیش رو از ویژگی‌های حکومت اسلامی برشمرده است. علی (ع) درین باره فرمود: «امارات الدول، انشاء الحیل» (آمدی، ۱۴۱۰: ۸۱۵) و نیز «مَنْ اسْتَقْبَلَ الْأُمُورَ أَبْصَرَ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۵۲).

یاری رسانی حکومت به طبقات آسیب دیده، وظیفه ذاتی حکومت شمرده شده تاجایی که امام صادق (ع)، تامین پروتئین مناسب برای افراد نیازمند را از محل خزانه دولت، ضروری دانسته (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۶/۶۵) و علی (ع) در مرکز حکومت خود، امکانات استفاده از آب سالم و پاکیزه، غذا و محل سکونت مناسب را برای همه شهروندان فراهم آورده بود (همان: ج ۴۰/۳۲۳). با این حساب می‌توان نتیجه گرفت حکومت اسلامی وظیفه دارد تا با برنامه ریزی مناسب، بهداشت عمومی افراد را تامین نماید. و گروه‌های

ویژه‌ای از افراد متخصص برای رفع بیماری‌های همه گیر سامان دهد. از دیگر سو شهروندان نیز وظیفه دارند از نظر انجمن‌ها و هیأت‌های متخصص تعیین شده از طرف حکومت پیروی کنند. چراکه افزون بر عقلانی بودن این پیروی، نوعی دستور و تکلیف دینی نیز شمرده می‌شود.

۴.۱.۲.۵ رجوع به متخصصین

بناء خردمندان گیتی، مراجعه به اهل دانش و فنون مختلف است که در سلوک فردی و اجتماعی ایشان نمودار می‌شود. چنین روشی بر پایه ایجاد اعتماد و سکون قلبی حاصل از نظر کارشناسان متخصص استوار است و تا زمان عدم بروز دلایلی مخالف با نظر متخصصان، مورد پذیرش عموم عقلاء عالم است. این روش خرد محور، در سپهر دین‌داری نیز تا جایی مورد قبول است که با مقاصد شریعت مخالف نبوده و نیز مخالفتی از جانب شارع بر آن در دست نباشد (روحانی، ۱۴۱۳: ج ۶/ ۳۳). بر این اساس، مفاد سیره خردمندان در رجوع به متخصصان و کارشناسان، از دلایل معتبر ارشادی شرعی شمرده می‌شود.

قاعده رجوع افراد نا آگاه به دانشوران و فن‌آوران دانش‌ها و فنون مختلف، افزون بر رهنمایی عقل، بر دلایلی از آیات و روایات نیز استوار است. آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل/ ۴۳) که به آیه سؤال نیز نام‌پرداز است به اصل عقلایی بایستگی مراجعه به افراد خبره ارشاد می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۲/ ۲۵۹). پیام آیات دیگری نیز در همین راستا قابل ارزیابی است (ن.ک: فرقان/ ۵۹؛ انبیاء/ ۷؛ یونس/ ۹۴). روایات گوناگونی نیز از معصومین به بهره‌وری از تخصص و تجربه صاحبان فن و دانش رهنمون هستند. نمونه‌هایی از این روایات عبارتند از: «فَعِنْدَ التَّجْرِبَةِ وَ الْإِعْتِبَارِ عِلْمَانٌ وَ لَوْ لَاهُمَا مَا عُلِمَ» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱/ ۳۰۲)؛ «خَيْرُ مَنْ شَاوَرْتَ ذُوَّ النَّهْيِ وَ الْعِلْمِ وَ التَّجْرِبَةِ وَ الْحَزْمِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۳۸) و «التَّجَارِبُ عِلْمٌ مُسْتَفَادٌ» (آمدی، ۱۴۱۰: ۴۴۴). علی(ع) نیز در توصیه‌ای به مالک اشتر، بهره‌گیری از افراد با تجربه را سبب بالندگی حکومت اسلامی ارزیابی فرمودند (حرّانی، ۱۴۰۴: ۱۳۷).

بر همین اساس در فقه، بابی با عنوان «رجوع الی اهل الخبره» گشوده شده است (خویی، ۱۴۱۷: ج ۳/ ۴۶۲؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۰: ج ۲/ ۱۲۳). رجوع شخص نا آگاه به متخصص و کارشناس را در سه رده تشخیص مصداق، تعلّم آموزه‌ها و استشاره می‌توان

افراز نمود. نیک روشن است که در تشخیص مصادیق عرفی احکام، فقیهان نیز به نظر عرف متخصص (عرف خاص) یعنی کارشناسان زبده هر موضوعی رجوع می‌کنند. با این حساب، بهره از نظرات متخصصان دانش پزشکی و حوزه سلامت، در درمان بیماری‌های همه گیر نه تنها اصلی عقلایی شمرده می‌شود بلکه مورد تأیید شریعت اسلامی بوده و توصیه‌های فراوانی در الهیات شیعی بر بهره از آن وجود دارد.

۲.۲.۵ راه کارها و پیشنهادهای معنوی آموزه‌های شیعی

در جهان‌بینی اسلامی، کنشگران هستی منحصر به علل مادی و ظاهری نیستند. بلکه افزون بر آن‌ها، علل نامحسوس و معنوی نیز تأثیرگذار است. از این رو، در قرآن و روایات، گاه بر بهره گیری و تلاش به عنوان اسباب و علل مادی رخدادها اشاره شده و گاه اسباب و علل معنوی آن یاد می‌گردد. برخی ازین عوامل عبارتند از: شکر، استغفار، نماز، دعا، توسل، توکل، قرائت قرآن، زیارت معصومان و صالحان به ویژه زیارت امام حسین (ع) و استفاده از تربت پاک و مقدس ایشان. صدقه دادن و روزه گرفتن (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۱۸/۹۸؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۳۱۸). در ادامه برخی از مهمترین پیشنهادهای دین برای گذر از تنگناهای زیستی بازخوانی میشود.

۱.۲.۲.۵ دعا

دعا که «درخواست برآورده شدن خواسته‌ها و رفع نیازمندی‌های مادی و معنویست» در همه ادیان الهی مورد توجه قرار گرفته است. چراکه نیازمندی ذاتی آدمی و بی نیازی پروردگار، امر قابل فهم برای فطرت آدمیست. وجود معابد و مراسم دینی ویژه در هر آیینی نشان‌گر نیایش‌های متفاوت بشری در هر عصر و جغرافیایست. قرآن کریم نیز به حقیقت توجه فراوان آدمی به مبدا هستی در کشاکش رفتاری‌ها و کم توجهی او به نیایش در آسودگی‌ها اشاره کرده است (یونس/۱۲؛ عنکبوت/۶۵).

بااینکه دعا و درخواست حوایج از مبدا هستی امری فطریست ولی درباره لزوم و امکان اثربخشی آن دو دیدگاه انکاری و افراطی وجود دارد. کسانی که جهان را تنها با علل و عوامل طبیعی تحلیل می‌کنند ارزشی برای دعا نمی‌شمارند. گروهی دیگر از دعا ناباوران نیز به سبب باور به فضای محتوم الهی، قلم تقدیر را بر هر پدیده‌ای رقم خورده پنداشته و جایگاهی برای دعا نمیشناسند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۴۱/۲). اینان ازین حقیقت غافلند که دعا نیز بخشی

از علل و اسباب جریان امور است و نباید علل رخدادها را تنها در امور مادی جست. گروه دیگر افراطیونی هستند که با عافیت طلبی جریان همه امور را از رهگذر دعا به عهده خدا می‌اندازند در صورتیکه طبق آموزه‌های صحیح اسلامی دعا در جایی اثر بخش است که تلاش‌ها و کوشش‌های انسانی اثری نبخشد.

در آموزه‌های قرآنی، دعا مانند معجزه از لحاظ اینکه مقارن با اراده خداست، متشابهند. ولی سایر مسببات تنها با اراده خدای متعال در اثر بخشی اسباب محقق می‌شوند (همان: ج ۱/۱۲۷). فایده دعا این است که آدمی می‌تواند به کمک آن نیروی محدود خود را با توسل به نیروی شگرف و بی پایان دیگری تا اندازه زیادی توسعه و قدرت دهد. استمداد از خالق هستی برای از سرگذراندن تنگناهای جسمی و روحی در کنار درخواست ایمن‌ماندن از امواج بلاهای احتمالی دوکارکرد از دهها فایده دعا در موضوع بیماری‌های همه‌گیر محسوب می‌شوند.

زراره بن اعین در تبیین فرمایش «ادع الله عزوجل ولا تقل ان الامر قد فرغ منه» از امام صادق (ع)، می‌گوید: «مقصود این است که ایمان به قضا الهی نباید سبب سستی در پافشاری در دعا شود» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲/۴۶۶). براین اساس دعا در صورتی مستجاب می‌شود که نیت صادقانه و آداب مخصوص آن مانند واگذار کردن امور به خداوند، انتظار نداشتن از سایرین، سپاس‌گذاری از نعمتهای الهی، احساس شرمندگی از کاستی‌ها و گناهان فکری و رفتاری، رعایت شده و موانع استجاب آن مانند ستم و گناه برطرف گردد (نک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۱۱/۷۵). پس عدم استجاب برخی دعاها را باید در کاستی‌های دعا کننده جست نه در صحت اثربخشی دعا.

۲.۲.۲.۵ توکل

توکل در لغت از ماده «وکل» به معنای اظهار عجز در کاری و اعتماد به دیگری است و در اصطلاح اطمینان به خدا و نومی‌دی از مردم و انحصار اعتماد و تسلیم در برابر خداست (زبیدی، ۱۴۰۴: ج ۷۸۵/۱۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۱۳۶/۶). ارزیابی مجموعه آموزه‌های دینی درباره توکل در کنار ترغیب به استفاده از اسباب مادی و تدبیر زیستی، ابعاد زیر را برای توکل نتیجه می‌دهد و مفهوم آن را تا حدودی روشن می‌سازد:

الف) بُعد اعتقادی

توکل در گام نخست جنبه پر رنگی از اعتقاد دارد. اعتقادی که هم از جنس «دانش و آگاهی» است و هم از جنس «ایمان و باور درونی». در این بُعد، فرد متوکل با همه وجود باور دارد که تمامی پدیده‌های هستی به اراده پروردگار شکل می‌گیرد و تأثیر اسباب در جهان خلقت نیز جز به خواست و مشیت او نیست؛ اوست که زمام امور را در دست دارد و اگر اراده فرماید، سبب را نیز خواهد ساخت.

آیات ذیل، نشانگر بُعد اعتقادی توکل در عرصه دانشی و بینشی آن است: «إِنَّ يَنْصُرُكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما چیره و غالب نخواهد شد، و اگر شما را واگذارد، چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد داد؟ و مؤمنان باید فقط بر خدا توکل کنند» (آل عمران/۱۶۰) و «قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ هرگز به ما جز آنچه خدا لازم و مقرر کرده، نخواهید رسید، او سرپرست و یار ماست و مؤمنان فقط باید بر خدا توکل کنند» (توبه/۵۱).

عناصری چون باور به قدرت خداوند، باور به تحقق خواسته خود در صورت اراده باری تعالی، واگذار کردن امور به خدا در دل، علم پیدا کردن به این‌که بی‌خواست او، هیچ کس نمی‌تواند نفع و ضرری برساند، و سوق دادن همه بیم‌ها و امیدها به سوی او، جنبه اعتقادی و ذهنی توکل را شکل می‌دهد.

این جنبه از توکل دو رهاورد دربردارد: اول) تأثیر «روحی و روانی» در جهت آرامش درونی، تقویت اراده و مقابله با افکار منفی بازدارنده از هدف. چنانکه در فرموده علی بن ابی طالب (ع) آمده است: «اصل قوه القلب التوکل علی الله» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱۲۰). دوم) تأثیر غیبی و رازآلود؛ که فراتر از روابط عادی و مشهود بشری اثر خود را در رسیدن به مطلوب - از جمله نجات از گرفتاری‌ها - برجای می‌نهد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۴/ ۶۷).

ب) بُعد عملی

توکل، تنها جنبه اعتقادی و باور قلبی ندارد، بلکه این باور در رفتارها نیز نمود می‌یابد. ولی بُعد رفتاری آن، رها کردن اسباب به طور کلی نیست، بلکه رها کردن آن دسته از اسباب و اقداماتی است که از نظر دینی مشروعیت ندارد. همچون قرار گرفتن در محیط‌های آلوده بدون رعایت اقدامات ایمنی بخش، لجاجت در عدم استفاده از دستاوردهای

پزشکی نوین، منحصردانستن ایمنی از بیماری‌ها در رعایت ضوابط بهداشتی، دست کشیدن از اصول دینی و پناه بردن به افراد و قدرت‌هایی که در نقطه مقابل خدا و در جبهه دشمنی و تقابل قرار دارند.

یکی از جامع‌ترین احادیث درباره مفهوم و ابعاد بینشی و عملی توکل، حدیث ذیل است:

پیامبر اکرم (ص) از جبرئیل پرسید: توکل بر خداوند چیست؟ جبرئیل گفت: دانستن این‌که مخلوقاتش، نه ضرری می‌رسانند نه نفعی، نه چیزی می‌دهند، نه مانع چیزی می‌گردند، باید از مخلوقاتش مأیوس گشت و وقتی بنده به این درجه رسید، آن‌گاه برای غیر خدا کار نمی‌کند و قلبش به بیراهه نمی‌رود و از غیر او نمی‌هراسد و به غیر او دل نمی‌بندد، این است معنای توکل (ابن بابویه، ۱۳۶۱: ۲۶۱).

از سوی دیگر، بُعد اعتقادی و روحی توکل و فقدان آن، جنبه رفتاری آن را هم دربردارد؛ چه اینکه، ضعف یا فقدان توکل، افق تیره و تاری در برابر شخص قرار می‌دهد و همین امر نیز زمینه رفتارهای ناشایست، ستیزه جویی با بهره‌وری از دست‌آوردهای پزشکی و رفتارهای پرخطر گسترنده بیماری‌ها را فراهم می‌آورد؛

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ شیطان، شما را [به هنگام انفاق مال با ارزش] از تهیدستی و فقر می‌ترساند، و شما را به کار زشت [چون بخل و خودداری از زکات و صدقات] امر می‌کند، و خدا شما را از سوی خود وعده آمرزش و فزونی رزق می‌دهد و خدا بسیار عطا کننده و داناست (بقره/۲۶۸).

ج) بهره از توکل در کنار تلاش و تدبیر و بهره‌گیری از اسباب

نگاه جامع به آموزه‌های دینی تردیدی در این حقیقت باقی نمی‌گذارد که توکل، جایگزین بهره‌وری از اسباب مادی نیست، بلکه همراه و مکمل آن خواهد بود. به‌دیگر سخن، توکل داشتن و تکیه بر قدرت و اراده الهی، نه به مفهوم رها کردن تدبیرهای پیش‌گیرانه است و نه مجوز مخالفت با دستاوردهای پزشکی مقبول.

مفسران مسلمان توکل را به معنای واگذار کردن امور به پروردگار براساس حسن تدبیرش همراه با اطمینان و رضایت دانسته (طوسی، بی تا: ج ۳۲/۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۱۷/۹) و ترک استفاده از اسباب به بهانه توکل را برخاسته از جهل به شرع یا نقصان آگاهی می‌دانند (رضا، ۱۴۱۴: ج ۲۰۷/۴). چراکه همه اسباب به اراده الهی اثر می‌یابند. پس، سلب اعتماد از

استقلال اسباب ظاهری در معنای توکل نهفته است. بنابر حدیث نبوی مشهوری، پیامبر اسلام به مردی که از ایشان درباره آزاد گذاشتن شترش با توکل به خدا یا بستن شترش سوال پرسید فرمود: «عقل و توکل» (ابن بابویه، بی تا: ۳۶۲). براین اساس میان توکل به پروردگار و استفاده از ابزار مادی هیچ منافاتی نیست چراکه خواص اسباب نیز به واسطه اراده الهی محقق خواهد شد. و توکل در نقش یکی از کنشگران معنوی در طول اسباب ظاهری خواهد بود نه در عرض آن.

روایات خاصی در خصوص رابطه توکل در کنار بهره گیری از اسباب طبیعی وجود دارد که از ترک استفاده از این اسباب به بهانه توکل نهی کرده است. برای نمونه، پیامبر اسلام (ص) به عده‌ای که خود را متوکل دانسته و از انجام امور سرباز میزدند فرمود: «شما متوکل نیستید بلکه سربارید» (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۱/۲۱۷). و نیز فرمود: «توکل بعد از بکار بستن عقل، هدایت‌گر آدمیست» (هندی، ۱۴۰۵: ج ۳/۲۰۳).

توجه و توکل به خدای متعال در نقاط تاریک و بزنگاه های خاموش شدن چراغ امید، توجه به «توحید در تدبیر عالم» و قدرت و وسعه الهی را به همراه دارد. این دیدگاه سبب کم‌رنگ شدن باور به سایر قدرت‌های اعتباری و عرضی می‌شود، تاجاییکه همه تصورات مبتنی به استقلال قدرت پدیده‌ها (مثل داروها و روشهای درمانی) نقش بر آب شده و آثار ناشی از این باورها در ذهن انسان محو یا کم رنگ می‌شود.

۳.۲.۲.۵ توسل

توسل از ریشه «وسل» به معنای نزدیکی جستن و متمایل بودن به چیزی است. اگر با حرف اضافی «الی» بکار رود به معنای نزدیکی جستن به کسی بوده و اگر با حرف «ب» به کار رود به معنای بهره برداری از چیزی برای نزدیکی جستن به چیزی است. (راغب، ۱۴۱۲: ۸۷۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۱/۷۲۵) در اصطلاح، واسطه قرار دادن امور خیر و افراد صالح مقرب درگاه الهی برای برآورده شدن درخواست و اجابت دعاست. (حدادعادل، ۱۳۸۴: ج ۸/۵۴۰).

توسل با استفاده از دعا، پناه بردن به افراد صالح و درخواست دعا از ایشان، استغاثه، انجام کارهای صالح و مراجعه به آثار صالحین امکان پذیر است. افزون بر دلایل شرعی جواز توسل همچون آیات قرآن (مائده/۳۵؛ اسراء/۵۷؛ نساء/۶۴؛ آل عمران/۱۰۱)، روایات معتبره

(ابن بابویه، بی تا: ۱۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۰۶/۶؛ بخاری، ۱۴۰۱: ج ۱۷۹/۱)، سیره معصومین و پیروان راستین ایشان (حویزی، ۱۴۱۵: ج ۲۴۹/۳؛ امینی، ۱۴۱۶: ج ۳۰۰/۶؛ بخاری، ۱۴۰۱: ج ۱/۱۳۷)، دلایلی عقلانی نیز بر نیاز بشر به توسل و ضرورت آن می‌توان برشمرد. از جمله این‌که، پروردگار از روی حکمت، آفرینش را سرشار از وسایل قرار داده است. آدمی نیز در این چرخه برای رسیدن به مقاصد خود باید از این سنت الهی پیروی کرده و از اسباب مفیدتری برای رسیدن به هدف غایی خود یعنی معرفت بهره جوید. مراجعه کردن انسان به اسباب و وسایل کارآمد نه تنها قبح عقلی نداشته بلکه مورد تایید عقل رشد یافته است. از طرفی چنین عقلی، میان استفاده از وسایل مادی یا معنوی برای رسیدن به مقصود هیچ تمایز غایی قائل نیست و در بهره‌وری از امور معنوی مانند استفاده از وسایل مادی هیچ تردیدی نمی‌کند. البته روش استفاده از این وسایل، گاه موحدانه است و گاه مشرکانه و از آن‌جا که شرک عقلاً مردود است؛ روش موحدانه بهره‌وری از همه وسایل و اسباب مادی و معنوی مورد پذیرش عقل خواهد بود.

با این حساب، توسل پیراسته از بدعتها، یعنی واسطه قرار دادن مقربان در گاه الهی برای برآورده شدن حاجتها و رفع گرفتاری‌ها نیز یکی از سنتهای حاکم بر جهان دویعدی انسان است.

۴.۲.۲.۵ استغفار

استغفار در لغت از ماده «غفر» به معنای طلب پوشاندن گناهان و بخشش از آن‌ها با نمودهای زبانی و عملی است (ابن سیده، ۱۴۲۱: ج ۴۹۹/۵). و در اصطلاح، طلب مغفرت بعد از دیدن زشتی گناهان و دوری از آنهاست (شریف، ۱۴۱۲: ۴۵). استغفار به معنای آمرزش خواهی از اعمال ناروا یکی از انواع دعا شمرده میشود. تا جاییکه پیامبر اسلام (ص)، دوی بیماری‌های روحی و جسمی انسان را استغفار دانسته اند (حرعاملی، ۱۴۰۳: ج ۲۹/۹).

در آیاتی از قرآن نیز طلب مغفرت از درگاه الهی و توبه، مایه بهره‌مندی از نعمت‌های فراوان و توان‌افزایی شمرده شده است (هود/۵۲). یکی از مفسران درین باره می‌نویسد: «معلوم می‌شود استغفار از گناهان اثر فوری در رفع مصائب و گرفتاریها و گشوده شدن درب نعمت‌های آسمانی و زمینی دارد، می‌فهماند بین صلاح جامعه انسانی و فساد آن، و بین اوضاع عمومی جهان ارتباطی برقرار است، و اگر جوامع بشری خود را اصلاح کنند، به

واکاوی در انگارهٔ رویارویی علم ... (البرز محقق گرفمی و جواد ایروانی) ۳۰۱

زندگی پاکیزه و گوارایی می‌رسند، و اگر به عکس عمل کنند عکس آن را خواهند داشت (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۲۰/۴۰۶).

این معنا از آیات شریفه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ؛ در دریا و خشکی عالم فساد ظاهر شد، به خاطر اعمالی که مردم مرتکب شدند» (روم/۴۱)، «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ؛ آنچه مصیبت به شما می‌رسد، به خاطر کارهایی است که به دست خود کردید.» (شوری/۳۰)، و آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؛ اگر اهل قریه‌ها ایمان آورند و پروا کنند، برکاتی از آسمان و زمین به رویشان می‌گشاییم» (اعراف/۹۶) هم استفاده می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

مساله تعارض میان علم و دین در موضوعاتی مانند حل بحران ناشی از کرونا، برآمده از عواملی چون تعریف نادرست از حقیقت دین و علم، نشناختن موضوع، هدف و قلمرو هریک و نیز در هم آمیختگی میان مفاهیم دین و علم با معرفت دینی و معرفت علمی است. بنابر دست‌آورد این پژوهش درمساله کرونا اساساً تعارضی میان گزاره‌های مسلم و قطعی دین اسلام - که در دلالت برمعنا و مراد خود هیچ خدشه و احتمال خلافی را برنمی‌تابند - با قوانین علمی، به معنای اصول حقیقی حاکم بر گیتی نمی‌توان یافت. چرا که تعارض بین معرفت علمی و معرفت دینی رخ می‌دهد نه میان آموزه‌های حقیقی دین و گزاره‌های قطعی علمی. در موضوع بیماری‌های همه‌گیری مانند کرونا، معرفت علمی به رعایت اصول بهداشتی فرامیخواند. معرفت دینی مبتنی بر آموزه‌های شیعی نیز، به رعایت همان اصول و رجوع به متخصصان و کارشناسان حوزه پزشکی و سلامت رهنمون است. و نیز مواردی چون مدیریت راهبردی بیماری‌ها را وظیفه دستگاه حاکمیت می‌داند. افزون براین، معرفت دینی، راهکارهایی چون دعا، توکل، توسل و استغفار را هم پیشنهاد میکند که بنیادها و ساز و کار آنها از محدوده قلمرو شناخت علوم تجربی خارجند. براین اساس تفاوت گستره پیشنهادهای معنوی دین، باسنجه معرفت علمی قابل‌سنجش نیست. پس علوم تجربی، توان نفی آنها را نخواهد داشت. افزون براین در گزاره‌های مشترک این دو حوزه برای حل مساله کرونا، معرفت دینی با توجه دادن به نقش مهم جریان سنت‌های

طبیعی در گیتی، یاری رسان راهکارهای علمی در توفیق یافتن برای مواجهه با بیماری‌های همه‌گیر خواهد بود.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم، کتاب و حیانی مسلمین، ترجمه حسین انصاریان.
- ابراهیمی پور، قاسم، (۱۳۹۳)، «علوم انسانی اسلامی، تیپ بندی رویکردها و بررسی راه حل‌ها»، پژوهش نامه علم انسانی اسلامی، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۵۳-۷۴.
- ابن بابویه، محمدبن علی، (بی تا)، التوحید، قم: جماعه المدرسین.
- ابن بابویه، محمدبن علی، (۱۳۶۲)، الخصال: قم، جماعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمدبن علی، (۱۴۰۴)، من لا یحضره الفقیه، ج ۱ و ۴، دوم، قم: جماعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمدبن علی، (۱۳۶۱)، معانی الاخبار، قم: دفترانتشارات اسلامی.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، (۱۴۲۱)، المحکم والمحیط الاعظم، ج ۵، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، ج ۲ و ۶، قم: مکتب الإعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمدبن مکرّم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، ج ۱۱ و ۱۳، بیروت: دارصادر.
- احمدی، محمدامین، (۱۳۸۴)، انتظار بشر از دین، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- زهری، محمد بن احمد، (۱۴۲۱)، تهذیب اللغة، ج ۱۴، اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- امینی، عبدالحسین، (۱۴۱۶)، الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، ج ۶، قم: مرکز الغدیر.
- آقا علی، محمد و همکاران، (۱۳۹۸)، «تازه‌های علمی کرونا و ویروس در سازمان بهداشت جهانی»، مجله طب اورژانس ایران، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱-۹.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالکتاب الاسلامی.
- باربور، ایان، (۱۳۶۲)، علم و دین، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بخاری، محمدبن اسماعیل، (۱۴۰۱)، صحیح بخاری، بیروت: دارالفکر.
- بکار، عثمان، (۱۳۸۹)، طبقه بندی علوم از نظر حکمای مسلمان، ترجمه جواد قاسمی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- پارسا نیا، حمید، (۱۳۸۹)، روش شناسی انتقادی حکمت صدرایی، قم: کتاب فردا.
- پترسون، مایکل و دیگران، (۱۳۷۶)، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمدنراقی و ابراهیم سلطانی، تهران: طرح نو.

واکاوی در انگارهٔ رویارویی علم ... (البرز محقق گرفمی و جواد ایروانی) ۳۰۳

- پوپر، کارل، (بی تا)، *حسها و ابطالها*، احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پیروزمند، علیرضا، (۱۳۷۶)، *رابطه منطقی دین و علوم کاربردی*، تهران: امیرکبیر.
- تمدن جهرمی، محمد حسین، (۱۳۷۸)، «ابعاد رابطه دین و علم و چگونگی علم دینی»، نشریه روش شناسی علوم انسانی، شماره ۲۰، پاییز.
- توکلی، احمد و همکاران، (۱۳۹۸)، «کرونا ویروس جدید ۲۰۱۹: بیماری عفونی نوظهور در قرن ۲۱»، *دو ماهنامه طب جنوب*، سال بیست و دوم، شماره ۶، بهمن و اسفند، صص ۴۳۲-۴۵۰.
- حداد عادل، غلامعلی، (۱۳۸۴)، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۸ و ۱۳، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین.
- حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۲۴)، *وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه*، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، ج ۳، ۹ و ۱۷، تهران: اسلامیه.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵)، *تفسیر نورالتقلین*، ج ۳، چهارم، قم: اسماعیلیان.
- خدایی قشلاقی، زهرا، (۱۳۹۶)، «بازتعریف علم نزد متفکران نوگرای مصری در قرن نوزدهم»، *پژوهش های علم و دین*، سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۱۱۳-۱۳۳.
- خوانساری، موسی بن محمد، (۱۳۷۳)، *رساله فی قاعده نفی الضرر*، تهران: المکتبه المحمديه .
- خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۷)، *مصباح الاصول*، مقرر: محمد سرور واعظ حسینی، ج ۳، پنجم، قم: مکتبه الداوری.
- دباغ، سروش، «کرونا، تقدیر الهی و پزشکی»، (تاریخ دسترسی: ۱۳ مارس ۲۰۲۰)، شبکه تلگرامی [مدرسه آزاد فکری، http://t.me/azadfekrischool/1717](http://t.me/azadfekrischool/1717)
- راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۱۲)، *مفردات فی الفاظ القرآن*، لبنان: دارالقلم.
- رضا، محمد رشید، (۱۴۱۴)، *تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار*، ج ۴، لبنان: دار المعرفه.
- روحانی، سید محمد، (۱۴۱۳)، *منتقى الاصول*، ج ۶، قم: دفتر آیه الله سید محمد حسینی روحانی.
- زیبیدی، محمد بن محمد مرتضی، (۱۴۱۴)، *تاج العروس*، محقق علی شیری، ج ۱۳ و ۱۵، بیروت: دارالفکر.
- سروش، عبد الکریم، (۱۳۷۰)، *تفرج صنع*، تهران: صراط.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۲۹)، *الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر*، ج ۱، بیروت: دارالفکر.
- شریف، میرسید، (۱۴۱۲)، *التعریفات*، چهارم، تهران: ناصر خسرو.

۳۰۴ پژوهش‌های علم و دین، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمد باقر موسوی، ج ۲، ۴، ۱۰، ۱۲ و ۲۰، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۹)، *آموزش دین*، تهران: جهان آرا.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۷)، *مکارم الاخلاق*، قم، شریف رضی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۶)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۵، اول، بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۱۴)، *الامالی*، قم، اول، دارالتقافه.
- طوسی، محمدبن حسن، (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، ج ۳ و ۶، اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فارابی، (۱۹۴۹)، *احصاء العلوم*، تصحیح ع. امین، قاهره: دارالفکر العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹)، *کتاب العین*، ج ۸، دوم، قم: هجرت.
- قطب، سید، (۱۴۰۸)، *فی ظلال القرآن*، ج ۴، پانزدهم، بیروت: دارالشروق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹)، *کافی*، ج ۱ و ۲، اول، قم: دار الحدیث.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶)، *عیون الحکم و المواعظ*، اول، قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، *بحار الانوار الجامعه للدرر لخبار الائمه الاطهار*، ج ۶، ۵۹، ۶۵، ۷۵ و ۹۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محدثی، حسن، «اسلام محمدی ما را به عقلانیت فرا می خواند»، (۱۳ اسفند ۱۳۹۸)، *روزنامه ابتکار*، سال شانزدهم، شماره ۴۴۹۴.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۲)، *آموزش عقاید*، سیزدهم، تهران: امیرکبیر.
- مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۳، سوم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۰)، *تفسیر نمونه*، ج ۹، سی و دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خمینی، روح الله، (۱۴۱۰)، *الرسائل*، ج ۲، اول، قم: اسماعیلیان.
- نوری، حسین، (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۱۱، قم: آل البيت.
- هاره، روم، (بی تا)، *علم شناسی فلسفی*، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات.
- هندی، علی بن حسام الدین، (۱۴۰۵)، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، ج ۳، بیروت: موسسه الرساله.
- هیک، جان، (۱۳۷۲)، *فلسفه دین*، ترجمه بهرام راد، تهران: الهدی.

واکاوی در انگارهٔ رویارویی علم ... (البرز محقق گرفمی و جواد ایروانی) ۳۰۵

هیوم، راپرت، (۱۳۷۷)، *ادیان زنده جهان*، عبدالرحیم گواهی، هفتم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.